



Jurisprudential Requirements of Organizational Surveillance and Inspection in the Light of Economic Jurisprudence

Mohammad Mahdi Zarei¹, Ramin Faghani^{2*}

1. Assistant Professor Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Mazandaran University, Babolsar, Iran

2. Assistant Professor Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Payam Noor University, Tehran, Iran

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 175-190

Article history:

Received: 14 Mar 2023

Edition: 28 Mar 2023

Accepted: 1 Jun 2023

Published online: 23 Sep 2023

Keywords:

Surveillance, Inspection, Nafy Sabil Rule, Espionage, Eavesdropping.

Corresponding Author:

Ramin Faghani

Address:

Iran, Tehran, Payam Noor University, Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law.

Orchid Code:

0000-0002-3522-6750

Tel:

09111838295

Email:

ramin.faghani@pnu.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aim: The main subject of present study is the limitation and prohibition of surveillance based on an jurisprudential approach. Meanwhile, the purpose of study is to show that surveillance to elicit information about employees performance to build an ideal organization require to determine the red flags.

Material and Methods: The research is descriptive and analytical. Library method has been used.

Ethical Considerations: In present study, the principles of text originality, honesty and trustworthiness have been observed. Findings: surveillance and inspection are related to the issue of dignity and reputation of the employees, therefore it is necessary to state Sharia rules, as well as the jurisprudential and ethical standards of surveillance correctly and determine the boundaries and limits of surveillance and inspections.

Results: The jurisprudential requirements of organizational supervision and inspection can be corresponded in the foundations of economic jurisprudence, include "Nafye Sabil" rule (rejection of foreign influence) as well as Grace and Obligation rule to protect the country. The interference of these rules to determine.

Conclusion: the jurisprudential requirements of surveillance and inspection is in such a way that ban on Sharia Law of spying and prohibition of others privacy invasion including agencies and employees as well as prohibition of suspicion in the cases that lead to the denial of domination of foreigners, assistance to employees and guiding them towards the psychological and moral health as well as a higher expediency of country, have been removed.

Cite this article as:

Zarei MM, Faghani R. *Jurisprudential Requirements of Organizational Surveillance and Inspection in the Light of Economic Jurisprudence*. Economic Jurisprudence Studies. 2023.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره پنجم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۲

بایسته‌های فقهی نظارت و بازرسی سازمانی در پرتو مبانی فقه اقتصادی

محمد مهدی زارعی^۱، رامین فغانی^{۲*}

۱. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.
۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: محدودیت و ممنوعیت نظارت با توجه به دیدگاه فقهی موضوع اصلی پژوهش است. هدف از پژوهش این است که نظارت برای کشف اطلاعات از کارکرد نیروها برای رسیدن به سازمان مطلوب نیاز به تعیین خطوط قرمز دارد.

مواد و روش‌ها: روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است.

ملاحظات اخلاقی: در نگارش مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: نظارت و بازرسی با موضوع آبرو و حیثیت نیروها در ارتباط است، ضروری است موازین شرعی و فقهی و اخلاقی نظارت به درستی بیان شود و حدود نظارت و بازرسی تعیین گردد.

نتیجه: بایسته‌های فقهی نظارت و بازرسی سازمانی می‌تواند در مبانی فقه اقتصادی متناظر شود که شامل: قاعده نفی سبیل و وجوب حفظ نظام می‌باشد. نحوه دخالت این قواعد در تعیین بایسته‌های فقهی نظارت و بازرسی به این صورت است که منع شرعی تجسس و منع ورود به حریم خصوصی دیگران، اعم از کارگزاران یا کارمندان، و منع سوء ظن به ایشان در مواردی که نفی سلطه بیگانگان، دستگیری از نیروها و هدایت به سلامت روانی و اخلاقی، و مصلحت بالاتر حفظ نظام را به دنبال دارد برداشته شده است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۷۵-۱۹۰

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۳

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۱/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

نظارت، بازرسی، قاعده نفی سبیل، تجسس، استراق سمع.

نویسنده مسئول:

رامین فغانی

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه پیام نور، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی

تلفن:

09111838295

کد ارکید:

0000-0002-3522-6750

پست الکترونیک:

ramin.faghani@pnu.ac.ir

۱. مقدمه

آنان اهمیت دارد، رویه درست نظارت به ویژه از دیدگاه فقهی و آگاهی به بایدها و نبایدهای فقهی آن نیز برای سازمان‌های تابعه مهم است.

آنچه در پژوهش حاضر مورد مذاقه علمی است بایسته‌های فقهی نظارت و بازرسی سازمانی است و بایسته‌های اخلاقی نظارت و بازرسی مقاله‌ای مستقل می‌طلبد. پرسش پژوهش پیش رو این است: «محدودیت و ممنوعیت نظارت و بازرسی براساس آموزه‌های فقهی شریعت اسلام کدام است؟ از دیدگاه مکتب اسلام و در فقه پویای شیعی، محدوده‌های ممنوعه برای انجام عملیات نظارتی کدام است؟» نوشتار حاضر در پی آن است که با ارائه نشانه‌های آشکار و انکارناپذیر (مستندات) از منابع دینی، بایدها و نبایدهای نظارت و بازرسی سازمانی را بیان دارد.

با توجه به بررسی مطالب باید گفت که بایسته‌های فقهی نظارت و بازرسی سازمانی در پرتو مبانی فقه اقتصادی دارای نوآوری است، زیرا پژوهشی تحت این عنوان نگارش نشده است. مبانی فقه اقتصادی را می‌توان در قواعد مختلفی جستجو نمود. یکی از این قواعد قاعده نفی سبیل می‌باشد که در پژوهش مذکور به تبیین آن می‌پردازیم به صورت کلی می‌توان به پژوهش‌هایی که به این زمینه نزدیک است، اشاره نمود. به عنوان مثال مقاله «نقش قاعده نفی سبیل در توسعه جوامع اسلامی» نگارش شده توسط رایگان و قاسمیان ۱۳۹۳ اشاره نمود. نویسندگان در این مقاله با هدف نظام‌سازی قواعد فقه در حکومت و تمدن اسلامی به اصول اساسی برای توسعه جوامع اسلامی می‌پردازد و قاعده نفی سبیل را برای عدم سلطه تحلیل می‌کنند. مقاله دیگر «ضرورت نظارت و بازرسی در ارتقای سلامت اداری» نگارش شده توسط محمدی و همکاران در سال ۱۴۰۰ می‌باشد. در این مقاله نویسندگان

نظم عالم براساس نظارت است. در عالم، هیچ چیزی از منظر الهی پنهان نمی‌ماند و همه چیز و همه کس تحت مراقبت خداوند متعال کنترل می‌شود. (ر.ک. علق: ۱۴) خداوند متعال کوچک‌ترین کارهای ما را می‌بیند، آهسته‌ترین سخنان ما را می‌شنود و از پنهانی‌ترین گناهان ما در خلوت و جلوت خبر دارد. انسان خداترس او را در همه حال حاضر و ناظر می‌بیند و جهان را محضر پروردگار می‌یابد. لذا، قلبش پر از بیم الهی است و در تلاش است که خطایی از او رخ ندهد. انفال: ۲) انسان خداترس او را در همه حال حاضر و ناظر می‌بیند و جهان را محضر پروردگار می‌یابد. این نظارت بر اعمال و رفتار خود خویشتن‌بانی، خودکنترلی و همان تقوا است، که از آموزه‌های اصیل اسلامی به شمار می‌رود.

نظارت اجتماعی نیز برای جلوگیری از هرج و مرج ضروری است؛ هیچ جامعه‌ای بدون نظام و سیستم مدیریتی که - یکی از ارکانش نظارت است - نمی‌تواند به کمال خویش دست یابد. و نیز نظارت، کنترل، ارزیابی و مراقبت سازمانی حرکت سازمان به سوی تحقق اهداف مورد نظر را تسریع می‌بخشد؛ بدون مراقبت و ارزیابی، سایر قسمت‌های مدیریت، اعم از برنامه‌ریزی، سازماندهی و هدایت، نیز از کار خواهد افتاد.

به بیان دیگر، بحث از بایسته‌های فقهی نظارت و بازرسی پژوهشی کاربردی است؛ چنان‌که اصل نظارت و بازرسی سازمانی به دلایلی چون: زمینه‌سازی برای پیشرفت امور و تقویت سازمان و برطرف کردن نقاط ضعف آن، کنترل کارکنان برای جلوگیری انحرافی از احکام و فرمان‌های رهبر یا مدیر سازمانی، الزام کارکنان به حفظ امانت و مدارا با مردم، و نظارت بر کارگزاران و تلاش برای اصلاح

شرعی شده است، هر چند در مجوز ورود به حریم خصوصی، استراق سمع و نیز حد غیبت جای ابهام و پرسش وجود دارد. بدین ترتیب و از آنجا که نظارت و بازرسی با مسائل مهمی چون آبرو و حیثیت نیروها سروکار دارد، ضروری است موازین شرعی و فقهی و اخلاقی نظارت به‌درستی و مستدل بیان شود و حدود نظارت و بازرسی تعیین و ابلاغ گردد.

۵. بحث

در این بخش به مبانی نظری و مفهوم‌شناسی می‌پردازیم:

۵-۱. نظارت

نظارت، از نظر لغوی، به معنای رسیدگی، بررسی دقیق و کنترل وارد شده است. (ابن‌منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۵: ۲۱۸) و «النظاره» به فتح نون کلمه‌ای است که عجم به معنای پاکیزه نمودن بستان به کار می‌برد: «و النظاره بالفتح کلمة یستعملها العجم به معنی التنزه فی الریاض». (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۲: ۱۶۶؛ ر.ک. ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵: ۴۴) از این معنا می‌توان اطلاق‌گیری کرد که مراد از نظارت کنترل و مراقبت فرد، شیء، سازمان یا جامعه از آفت است. معنای اصطلاحی نظارت در بیانی ساده عبارت است از مقایسه‌ای بین آنچه هست و آنچه باید باشد؛ با نظارت است که زمینه برای رسیدن به مطلوب فراهم می‌شود. (ایزدهی، ۱۳۹۰: ۶)

واژه‌های هم‌نوا با واژه نظارت عبارت‌اند از: ارزیابی، کنترل و بازرسی، هرچند برخی بین این واژه‌ها تفاوت در سعه و ضیق قایل‌اند. (ر.ک. ایزدهی، ۱۳۹۰: ۷؛ بهادری، ۱۳۸۹: ۲۵)

۵-۲. بازرسی

بازرسی فعالیت‌های منظم و هدف‌دار در سنجش و ارزیابی فعالیت‌های کارکنان سازمان برای پیگیری تخلفات و حصول اطمینان از صحت حرکت سازمان

دیدگاه مدیریتی خود را در جایگاه نظارت و ضرورت آن بیان می‌کنند و شیوه‌های کیفیت بخشی آن را واکاوی می‌کنند. در پژوهشی دیگر مقاله «فرا تحلیل وظایف نظارتی سازمان بازرسی و مفهوم‌بندی آن در الگوی حکمرانی خوب» نگارش شده توسط رشیدی و معنوی در سال ۱۳۹۸ است. در این مقاله مطابق با اصل ۱۷۴ قانون اساسی وظیفه نظارت بر عهده سازمان بازرسی گذاشته شده است که نویسندگان می‌کوشند وظایف سازمان بازرسی را با حکمرانی خوب تطبیق دهند.

۲. مواد و روش‌ها

روش تحقیق - اعم از گردآوری، طبقه‌بندی و تحلیل اطلاعات - در این پژوهش توصیفی - تحلیلی است، به این بیان که پس از جمع‌آوری اطلاعات و گردآوری مستندات فقهی و روایی در این باره، از راه مطالعات کتابخانه‌ای، داده‌های گردآمده تحلیل و دسته‌بندی می‌شوند و در چهارچوب مشخصی تعریف و عرضه شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در مراحل مختلف نگارش این مقاله، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

نظارت و بازرسی سازمانی باید‌ها و نبایدهایی دارد که بایستی در اعمال آن لحاظ شود، خطوط قرمزی که شایسته نیست نیروهای مؤمن و ناظر در انجام تکلیف نظارتی از آن خطوط عبور کنند. برای نمونه، در نظام دینی و اسلامی هدف از نظارت و بازرسی اصلاح امور و ترغیب و نیروها به انجام اعمال نیکو و دستگیری از ایشان در بحران‌ها اجتماعی با هدف دوری از فساد است، نه مچگیری و ضایع کردن آبروی افراد. و نیز نظارت و بازرسی برای کشف اطلاعات و گزارش‌گیری از کارکرد نیروها تجویز

به سوی اهداف تعیین شده است. (ر.ک. کریمیان، ۱۳۹۰: ۶۶)

مفاهیم نظارت و بازرسی تشابه معنایی دارند تعریف بازرسی یعنی مراد از نظارت فرایند سنجش و اصلاح عملکردها برای حصول اطمینان از همسانی هدف‌های سازمان با طرح‌های اجرا شده است اما از نظر عموم و خصوص بودن با هم متفاوت‌اند. واقعیت این است که نظارت مفهومی عام است که می‌تواند فردگرا، خانواده‌گرا یا سازمانگرا باشد و گاه به تعبیر «امر به معروف و نهی از منکر» نظارت همگانی گویند که نشان از حیطة اجتماعی نظارت دارد. اما بازرسی بیشتر در سازمان و به عنوان ابزاری برای نظارت سازمانی به کار می‌آید، بدین معنا که فرایند بازرسی و ارزیابی و ارزشیابی برای به دست آوردن میزان تحقق اهداف و رسالت سازمان صورت می‌گیرد. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۰: ۱۶۶)

۳-۵. سازمان نظام بازرسی

سازمان «گروهی است متشکل از دو یا چند تن که در محیطی با ساختار منظم و از پیش تعیین شده برای اهداف گروهی با یکدیگر همکاری می‌کنند.» (الوانی، ۱۳۸۸: ۷؛ رضائیان، ۱۳۸۷: ۱۷).

وجود نظام بازرسی در هریک از قوای سه‌گانه در حکومت اسلامی ضروری است. همان طور که خداوند بر اعمال بندگان خود ناظر است، حکومت منسوب به حاکمیت حق نیازمند شدید به نظام بازرسی است تا اینکه شاخه‌های متعدد قوای سه‌گانه فوق مسیر انحرافی را طی نکنند و از مصالح جامعه محافظت شود. کارگزاران و عمال حاکمیت - در هر سطحی که باشند - وظیفه دارند با اجرای قوانین، از هرگونه ظلم و تعدی نسبت به افشار مختلف مردم احتراز نمایند. بدین منظور، وجود نظام بازرسی در ابعاد مختلف از قبیل عرصه‌های فردی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی سازمانی

ضروری می‌نماید. منظور از سازمان در اینجا همان نهاد یا وزارتخانه و تمام قسمت‌های اداری تابعه آن است که افراد متعددی با مسئولیت‌های تعریف شده در آن سازمان در سراسر کشور مشغول کار می‌باشند. بدیهی است بازرسان سازمانی «باید از نزدیک‌ترین و مورد اطمینان‌ترین افراد نسبت به رهبر، و اشخاص متقی، مؤمن، خداترس و اهل امانت و صداقت باشند که اخبار و گزارش‌های آنان به دور از هرگونه دروغ و خدعه و خدشه‌ای باشد و جز خدمت به خدا و اسلام و حکومت اسلامی چیز دیگری را در بازرسی امور در نظر نگیرند.» (فاضل لنکرانی، ۱۳۶۶: ۱۵۹)

امام علی (علیه‌السلام) در نامه ۵۳ به مالک اشتر نخعی دستور می‌دهد: «ثُمَّ تَقَدَّ أَعْمَالُهُمْ، وَأَبْعَثِ الْعُيُونَ مِنْ أَهْلِ الصِّدْقِ وَالْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ». در این فراز امیرمؤمنان (علیه‌السلام) نظام بازرسی را در حکومت اسلامی به تصویر می‌کشاند و از بازرسان حکومت به «عیون»، یعنی چشم‌های حکومت، تعبیر می‌کند. چشم حکومت، اگر از بازرسی صحیح برخوردار نباشد، همانند کوری است که معایب را نمی‌بیند و در منجلاب عیوب و فساد غوطه‌ور می‌شود. حاکمیت این چشم‌ها (بازرسان) را مخفیانه به نقاط مختلف کشور می‌فرستد تا به صورت پنهانی گزارش تهیه نمایند. (همان: ۱۶۰)

۴-۵. قواعد فقهی جاری در نظارت و بازرسی سازمانی

یکی از ضرورت‌ها برای موفقیت برنامه‌های سازمانی وجود یک نظام دقیق نظارتی است؛ فرایند نظارت زبربنای خود ترمیمی و حرکت سیستم به سوی نظم، پویایی و هدف‌جویی است؛ وجود یک نظم نظارتی در سازمان است که مدیریت را به چگونگی تحقق هدف‌ها و عملیاتی کردن آنها آگاه می‌سازد و به مجموعه مدیریتی سازمان این توانایی را

در حوادثی که در موضوعات آنها داخل است شامل شود: «انها قواعد تقع فی طریق استفاده الاحکام الشرعیة الالهیة و لایکون ذلک من باب الاستنباط و التوسیط بل من باب التطبيق»؛ (۱) قواعدی است که برای به دست آوردن احکام شرعی الهی از آنها استفاده می‌شود و نحوه استفاده از باب استنباط و واسطه قرار دادن برای حکم نیست بلکه این استفاده از باب تطبیق بر مصادیق است.» (فیاض، ۱۴۱۹ق، ج ۱: ۸).

قاعده فقهی مسائل گوناگون فرعی را در خود جای می‌دهد و دارای مصادیق گوناگون است و یک حکم کلی فرعی است که در ابواب مختلف فقهی مصادیق متعدد دارد. (بجنوردی، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ۶؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۶ق، ج ۲: ۵۴۲؛ موسوی خویی، ۱۴۱۷ق، محاضرات فی اصول الفقه، ج ۱: ۸؛ ایروانی، ۱۳۸۷، ج ۳، ج ۱: ۱۲) و به تعبیر امام خمینی (رحمة الله علیه) که می‌فرماید: «یمكن أن یقال ... القواعد الفقهیة ینظر فیها فتکون استقلالیة لا آلیة؛ قواعد فقهی به طور استقلالی به عنوان حکم شرعی محسوب می‌شوند برخلاف قواعد اصولی که آلی‌اند.» (موسوی خمینی، ۱۳۸۲ق، ج ۱: ۱۱)

به بیان ساده‌تر، قاعده فقهی مشتمل بر حکم شرعی کلی است یا از عده‌ای از احکام تشکیل یافته است، در حالی که قاعده اصولی متضمن حکم شرعی نیست، بلکه حکم شرعی از آن استنباط می‌شود. (جعفر سبحانی، الوسیط، ج ۱، ص ۴۱)

۵-۴-۱. قاعده نفی سبیل

معنای قاعده نفی سبیل این است که سلطه کافر بر مسلمان ممنوع است. بنابراین، هر رفتاری - اعم از معامله و رابطه بین مسلمین و کفار - اگر موجب مسلط شدن کفار بر مسلمین گردد، شرعاً جایز نیست، خواه این سلطه بر فرد باشد یا بر جمع. در نتیجه، بر مسلمان جایز نیست خود را برای کافر

می‌دهد که پیگیری‌های لازم را در بهینه‌سازی سازمان به عمل آورد. و نیز بسیاری از دوراندیشی‌ها و تدبیرهای فرماندهی و مدیریت تنها با نظارت و بازرسی دقیق و منصفانه امکان تحقق دارد. در مقابل، بدون مراقبت و ارزیابی و نظارت سایر قسمت‌های مدیریت - از برنامه‌ریزی، سازماندهی و هدایت - هم از کار خواهد افتاد و پیشرفت مورد نظر به دست نمی‌آید. اگر سیستم فاقد نظارت باشد یا از سیستم نظارتی مؤثری برخوردار نباشد، به دلیل عدم استفاده بهینه و اثربخش از منابع و نیروهای موجود نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای تعریف شده باشد و کم‌کم تأثیر خود را از دست می‌دهد.

فقه پویا برای نظارت و بازرسی سازمانی خطوط قرمزی را مشخص کرده است و گاه مجوزهایی را برای عبور از نبایدهای اخلاقی یا عرفی فراهم آورده است. برای نمونه، قلمرو زندگی فردی و حریم خصوصی است که هر فردی، نوعاً و عرفاً، انتظار دارد که دیگران بدون رضایت وی به اطلاعات راجع به آن قلمرو دسترسی نداشته باشند. اما فقه پویا ورود به حریم خصوصی را برای حفظ نظام به مصلحت می‌داند.

نگارنده در مقاله حاضر در پی آن است که موارد جواز و بایسته‌های نظارت و بازرسی سازمانی را برشمارد. زمینه‌چینی برای چنین متنی ما را بر این وامی‌دارد که برخی از قواعد فقهی جاری یا حاکم بر نظارت و بازرسی سازمانی را بشناسیم و بر آنها واقف باشیم.

مراد از قاعده امر کلی‌ای است که در هنگام شناسایی احکام آن بر تمامی جزئیات خود منطبق می‌باشد. (فاروقی تهنوی، ۱۹۶۷، ج ۲: ۱۲۹۵) و مراد از قاعده فقهی قانونی فقهی است که بر مصادیق متعدد تطبیق یابد، به این بیان که احکام تشریحی عام را

اجاره دهد، به گونه‌ای که کافر در این اجاره تسلطی بر او پیدا کند. (مصطفوی، ۱۴۱۷ق: ۲۹۳) این قاعده برگرفته از این آیه است:

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فِتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعُكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا. (نساء: ۱۴۱) همان کسان که [از سر بدخواهی] چشم به شما دارند، پس، اگر شما را پیروزی و گشایشی از جانب خدا باشد، گویند: «مگر ما با شما نبودیم». و اگر کافران را بهره‌ای باشد، [به آنها] گویند: «آیا بر شما آگاهی نیافتیم و شما را از [گزند] مؤمنان بازداشتیم.» پس، خداوند روز رستاخیز میان شما داوری خواهد کرد و خدا هرگز برای کافران راهی [برای تسلط] بر مؤمنان ننهاده است.

در تفسیر آمده است: به هیچ وجه در هیچ زمانی کافر بر مؤمن مسلط و چیره نخواهد شد، چه در دنیا و چه در آخرت، چه از جهت غلبه احکام تشریح و چه از جهت غلبه ظاهری، زیرا خداوند مؤمنان را به همه انواع حجت‌های آفاقی و انفسی مجهز کرده است. پس، تا زمانی که واقعاً مؤمن هستند به هیچ وجه مقهور کفار نخواهند شد. و اگر کفار در بهره‌ای از زمان چیره شدند، باید دلیل آن را در سست شدن ایمان و نزاع آنان بر سر متاع دنیا دانست. کشته شدن انبیا و صلحا و امامان معصوم (علیهم‌السلام) و دیگر شهدای اسلام به دست کفار به معنای تسلط و غلبه آنها نیست، بلکه قاتل مغلوب است که ظلم روا داشته است، زیرا وی فقط بدن خاکی را از بین برده است ولی روح این شهدا غالب است که به درجات رفیع شهادت رسیده‌اند. (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج ۷: ۳۹۲-۳۹۴)

روایت «الْإِسْلَامُ يَعْلُو وَ لَا يُعْلَى عَلَيْهِ وَ الْكُفْرُ بِمَنْزِلَةِ الْمَوْتِ لَا يَحْجُبُونَ وَ لَا يَرْتُونَ؛ اسلام نسبت به سایر مکاتب همیشه برتری دارد و هیچ چیزی بر آن برتری ندارد، و کافران به منزله مرده‌ها هستند، مانع از ارث دیگران نمی‌شوند و خودشان نیز ارث نمی‌برند.» سند قاعده نفی سبیل باشد، چنان‌که بجنوردی این تفسیر را این‌گونه آورده است: «والظاهر من هذا الحديث الشريف بقريته ظاهر الحال انه في مقام التشريع و ان الاسلام يكون موجبا لعلو المسلم على غيره في مقام تشريع احكامه و بالنسبة الى تلك الاحكام.» (بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۱: ۱۹۰؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶، ج ۱: ۲۴۰). در ارتباط قاعده با بازرسی سازمانی باید گفت یکی از معانی‌ای که می‌توان برای قاعده نفی سبیل در نظر گرفت و در تفسیر آیه نفی سبیل هم آمده است اینکه نفی سلطه دشمنان مشروط به پایبندی به لوازم ایمان است. مراد از این معنا نفی سلطه دشمنان است مشروط به اینکه مؤمنین یکدیگر را توصیه به باطل نکنند و انجام منکرات را ترک گویند و از گناهان توبه کنند و افزون بر این، بر کار یکدیگر نظارت داشته باشند.

از آنجا که نفوذ سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی از اهداف اصلی کفار و دشمنان است، با بازرسی و نظارت هوشمند باید در همه ارگان‌ها و سازمان‌های اجرایی تمام روزه‌های نفوذ دشمنان را در عرصه‌های مختلف بست و با رصد دقیق از هرگونه رخنه دشمنان در به اسارت درآوردن جامعه اسلامی جلوگیری نمود، زیرا براساس آیه شریفه فوق و حدیث معتبر، اعتلای هرگونه رابطه با بیگانگان با رویکرد سلطه‌پذیری حرام است. بی‌تردید، از عرصه‌های فقه حکومتی، ارائه راهکارها برای برتری یافتن بر کفار، اجانب و بیگانگان است که با صدور احکام ویژه، هرگونه سلطه‌پذیری را نفی

(ر.ک. موسوی خمینی، صحیفه امام، ۱۳۸۵، ج ۱۵: ۳۲۹)

از این قاعده می‌توان در بحث از بایسته‌های فقهی نظارت و بازرسی سازمانی، به‌عنوان اصل حاکم، بهره برد، با این بیان: از آنجاکه حفظ نظام بر حقوق و جان مردم مقدم است، (موسوی خمینی، صحیفه نور، ۱۳۶۸، ج ۱۵: ۲۰۳ و ج ۲۰: ۱۶۷ و ج ۲۱: ۱۱۲) فقها تعرض به بعضی حقوق را چنانچه حفظ نظام وابسته به آن باشد جایز می‌دانند. برای نمونه، امام خمینی می‌فرماید:

اگر ما اسلام را در خطر دیدیم، همه‌مان باید از بین برویم تا حفظش کنیم. اگر دماء مسلمین را در خطر دیدیم، دیدیم که یک دسته دارند توطئه می‌کنند که بریزند و یک جمعیت بی‌گناهی را بکشند، بر همه ما واجب است که جاسوسی کنیم. بر همه ما واجب است که نظر کنیم و توجه کنیم و نگذاریم یک همچو غائله‌ای پیدا بشود. حفظ جان مسلمان بالاتر از سایر چیزهاست. حفظ خود اسلام از جان مسلمان هم بالاتر است. این حرفهای احمقانه‌ای است که از همین گروهها القا می‌شود که خوب، جاسوسی که خوب نیست! جاسوسی، جاسوسی فاسد خوب نیست، اما برای حفظ اسلام و برای حفظ نفوس مسلمین واجب است. (موسوی خمینی، صحیفه امام، ۱۳۸۵، ج ۱۵: ۱۱۶)

نظارت سازمانی برای بررسی عملکرد مجموعه کارمندان و مدیران یک سازمان انجام می‌شود؛ اداره‌ای که با مجموعه کارمندان برای تحقق اهداف آن سازمان تلاش می‌کنند باید بین ارکان و اجزایش هماهنگی‌های لازم وجود داشته باشد. از اینکه برنامه کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت آن به وسیله کدام دسته از عوامل اجرائی‌اش دنبال می‌شود و براساس کدام یک از مقاصدش پیش می‌رود و کدام بخش از یک سازمان دارای انحراف

می‌کند. هدف در این عرصه مبارزه و جهاد با استکبار است که ممکن است با شیوه‌های گوناگون درصدد تسلط بر جامعه اسلامی باشد و اراده کند که افراد جامعه اسلامی یا منابع آن را در اختیار گیرد یا بخواهد در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و اقتصادی بر جامعه اسلامی سلطه‌گری نماید. اما فقه حکومتی در مقابل آنان قد علم کرده، هرگونه سازش را با آنها نفی می‌کند و با تمسک به صدور احکام مرتبط با موضوعات مختلف در میادین گوناگون با رویکرد مبارزه با انواع سلطه‌های استکباری اقدام می‌نماید.

ایجاد نظام بازرسی و اجرای نظارت و بازرسی سازمانی از جمله راهکارها و راهبردهایی است که برمبنای قاعده مذکور نه تنها احتمال نفوذ دشمن را به شدت تضعیف می‌کند بلکه در مقابل، به واسطه ابزار نظارت، کارگزاران و مجریان یک سازمان نیز به صورت معقول و منطقی تحت نظر قرار می‌گیرند و در نتیجه، از هر گونه کم‌کاری یا انجام اعمال خائنانه بازداشته خواهند شد و افزون بر این، توان آنان برای ایستادگی در برابر وسوسه‌های دشمن مضاعف و ایمان‌شان برای دفاع از اهداف مطلوب سازمانی افزایش می‌یابد. امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) با اشاره به این نکته فرمود: «احساس وجود ناظری دقیق و امانت‌دار روحیه مقاومت در برابر فساد و وسوسه‌های آدم‌های ناباب را در انسان‌های سالم تقویت و روحیه متخلفان را تضعیف می‌کند.» (۱۳۷۹/۱۲/۹)

۵-۴-۲. قاعده وجوب حفظ نظام

طبق این قاعده حفظ نظام واجب است و اندیشه‌ورزان و رهبران دینی حکم به ممنوعیت هر آنچه سبب اختلال نظام می‌شود داده‌اند و به هر آنچه برای حفظ نظام ضروری است دستور داده‌اند.

مسلمانان، تحقیق و تجسس جایز است. لذا، می‌فرماید: «وقتی اسلام در خطر است، همه شما موظفید که با جاسوسی، اسلام را حفظ کنید. ... احکام اسلام برای مصلحت مسلمین است، برای مصلحت اسلام است.» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۵: ۱۷)

۵-۵. بررسی خطوط قرمز نظارت و بازرسی سازمانی

در ادامه، برخی بایدها و نبایدهای فقهی نظارت و بازرسی پرداخته می‌شود و از آیات و روایات برای درک بهتر این معانی و حدود و ثغور آن خطوط بهره برده می‌شود.

۵-۵-۱. تجسس

تجسس، از ریشه «جس، یجس» در لغت، به معنای حس کردن چیزی با دست آمده است. (محقق، ۱۳۶۴، ج ۵: ۱۶۶-۱۶۷) تجسس از نظر واژه‌شناسی عبارت است از کنجکاوی در احوال و افعال پنهانی و مخفی دیگران و شناسایی پنهان و ظریف آنها، جستجو از درون امور و خبریابی از اموری که مردم می‌خواهند پنهان دارند. (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۲: ۸۶-۸۷) بر همین مبنا، علامه طباطبایی از کسانی خبر می‌دهد که بر این باورند: «تجسس به معنای کسب اطلاعات از لغزش‌های مؤمنان و از شمار ردایل است.» این عده هرگاه بخواهند مراد از کسب اطلاعات را خیر بدانند، از ماده تجسس استفاده می‌کنند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸: ۳۲۴؛ در باب تفاوت تجسس و تحسس ر.ک. ابن‌منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۶، ص ۳۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۲۰۵)

به نظر نگارنده، حق این است که تجسس به معنای کاوش و جستجوی خبر است و انگیزه کاوش - هر چه باشد: خیر یا شر - در صدق مفهوم تجسس دخالتی ندارد و انگیزه خیر، اگر دخالتی داشته باشد، تنها در نفی حکم است، نه در صدق موضوع.

و خطای متعدد است. بدیهی است بررسی نقاط قوت و ضعف در یک سازمان نیازمند حضور ناظران قوی و متعهد است تا از نظام موجود در آن سازمان محافظت شود و سبب شود که هریک از مدیران مرتبطاً همراه زیردستان‌شان به صورت هدفمند به فعالیت خود ادامه دهند.

نقش بازرسی و نظارت در دو مقیاس نظام اسلامی (معنی الاعم) و نظام سازمانی (معنی الاخص) قابلیت اجرایی دارد؛ در معنای اعم، برای جلوگیری از اختلال نظام یا حکومت، وجود بازرسی و نظارت به دلایل عقلی و نقلی ضرورت دارد، چراکه در صورت اختلال، موجبات نابودی حکومت و کیان اسلام فراهم می‌گردد. نظارت و بازرسی در معنای اخص - به مفهوم پیشگیری از قانون‌گریزی، ظلم و تعدی به حقوق مظلومان، و ناامنی - نیز در نظام اسلامی قابلیت اجرایی می‌یابد. نظارت و بازرسی مجریان و کارگزاران سازمان‌های اجرایی را، با حفظ چهارچوب‌های سازمانی، تحت نظارت خود قرار می‌دهد و دست آنان را از هرگونه ظلم و تعدی، قانون‌گریزی، خیانت، جاسوسی، و حیف و میل بیت المال کوتاه می‌کند. در صورت استمرار چنین روشی است که بازرسی به معنای اخص و در نهایت، به معنای اعم محقق می‌شود.

شاید گفته شود: دلیل تحت نظر گرفتن بخش متعدد سازمانی چیست، در حالی که این رویه استقلال در تصمیم‌گیری‌های مدیریتی را خدشه‌دار می‌کند و امنیت شغلی برخی از مجریان و کارگزاران را به خطر می‌اندازد؟ در پاسخ می‌توان گفت: قاعده حفظ نظام، که مستدل به دلایل عقلی و نقلی است، اقتضا می‌کند که بازرسان سازمانی - محسوس یا نامحسوس - در نظارت خود جدی باشند، چنان‌که حضرت امام (رحمة‌الله‌علیه) معتقد است به دلیل وجوب حفظ اسلام و نفوس

در دنیا و آخرت عذابی دردناک خواهند داشت، و خدا [آنان را] می‌شناسد و شما نمی‌شناسید.» بدین بیان که شایع کردن فحشا را که نتیجه جاسوسی و تفتیش است تحریم می‌کند و با قول به حرمت مقدمه حرام، می‌توان گفت: از این آیه شریف حرمت جاسوسی درعیوب مسلمین بر می‌آید. اما نمی‌توان از این ترجمه آیه غافل ماند: «الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا» یعنی آنها که قصد رواج فحشا و آشکار ساختن آن را دارند و برآنند که با نسبت دادن زشتکاری به مؤمنان سبب رسوایی آنان گردند.» با توجه به این ترجمه و توجه به اینکه تجسس به خودی خود و تا هنگامی که به مرحله فاش ساختن نرسد اشاعه فحشا نیست، نهی از پراکندن زشتکاری نهی از مرتبه پسین است و ناظر به خود تجسس و مرتبه پیش از اشاعه نیست. پس، اگر تجسس مقدمه فحشا نباشد، چنان که دولت اسلامی برای جلوگیری از اشاعه فحشا مجبور به تجسس از حال افراد است، مصداق این آیه نیست.

افزون بر این، روایات متعددی بر جواز تجسس در مواردی که انگیزه عقلایی وجود داشت و قصد مفسده نبود دلالت دارند. برای نمونه، در خبر است که امام سجاد (علیه السلام) برای کشف حال یکی از همسران خود که متهم بود به اینکه از خوارج است و در غیاب آن حضرت از حضرت علی (علیه السلام) بدگویی می‌کند، تجسس فرمود و گزارش‌دهنده را عتاب نکرد. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۳۵۱)

وقتی در حیطة خانواده چنین باشد و تجسس در مواردی از این دست جایز باشد، در حال جنگ و برای اداره جامعه و سازمان جواز تجسس از آحاد روشن تر است، چنان که روایت شده است: «کان النبیّ یسأل عن المتخلفین عنه فی غزوتِه؛ نبی

بنابر پژوهشی که صورت گرفته تجسس به صرف کنجکاوی و آگاهی از احوال اشخاص و بدون انگیزه عقلایی، و نیز تجسس با انگیزه‌ای فاسد، مثل هتک حرمت، گسترش فحشا، آزدن مؤمنان یا به نفع بیگانگان تجسس نارواست و تجسس با انگیزه سالم برای حفظ حکومت در برابر نفوذ کافران و منافقان، جلوگیری از فساد اقتصادی، برطرف کردن زمینه‌های انحراف از جامعه اسلامی، آگاهی از چگونگی کارکرد کارگزاران حکومتی یا مسئولان سازمانی، آگاهی از وضعیت نیروهای خودی و تجهیزات دشمن، یافتن افراد باصلاحیت و شایسته برای مناصب حکومتی یا سازمانی، آگاهی از دانش‌های روز، کسب میزان رضایتمندی مردم از وضع موجود و اموری از این دست تجسس رواست. (سرافراز، ۱۳۹۵)

آیه محوری بحث که بر حرمت تجسس دلالت دارد «وَلَا تَجَسَّسُوا» (حجرات: ۱۲) است که مقتضای اطلاق حرمت هر گونه تجسسی بدون هیچ تفاوت است. مراد از این آیه این است: در جستجوی عیوب مسلمانان نباشید (اردبیلی، بی تا: ۴۱۷)، و رفتار ظاهری افراد را ملاک برداشت خود قرار دهید و در جستجوی کاستی‌های مسلمانان نباشید؛ هیچ کدام‌تان به دنیال عیب برادر دینی خود نباشد تا از آن آگاهی یابد، چراکه خداوند آن را پوشانده است. (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۶: ۳۳۳) اما این اطلاق - چنان که بیان خواهد شد - به ادله دیگر قید می‌خورد.

یکی از آیاتی که بر حرمت تجسس دلالت دارد و آن را قید می‌زند این است: «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نور: ۱۹)؛ کسانی که دوست دارند کارهای بسیار زشت [مانند آن تهمت بزرگ] در میان اهل ایمان شایع شود،

خصوصی می‌تواند باشد. چنان‌که بیان شد، فراز «وَلَا تَجَسَّسُوا» بدین معنا است: از عیوب مردم تتبع و جستجو نکنید تا اموری که پوشیده ماندن آنها را خوش می‌دارند، آشکار نشود. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸: ۳۲۴) بنابراین، آیه بر منع تجسس در امور و احوال دیگران دلالت دارد؛ این منع از تجسس با شمول خود شامل همه مصداق‌های حریم خصوصی می‌شود.

و نیز در آیات ۲۷-۲۹ سوره نور بخشی از آداب معاشرت و دستورهای اجتماعی اسلام که ارتباط نزدیکی با حفظ عفت عمومی دارد بیان شده است، و آن طرز ورود به خانه‌های مردم و چگونگی اجازه ورود گرفتن و اهمیت دادن به حریم شخصی دیگران است.

یکی از ادله روایی در لزوم رعایت حریم خصوصی نهی صریح نبوی از اطلاع‌یابی و حریم‌شکنی افراد در محل سکونت می‌باشد: «مَنْ اطَّلَعَ فِي بَيْتِ جَارِهِ فَتَنَطَّرَ إِلَى عَوْرَةِ رَجُلٍ أَوْ شَعْرِ امْرَأَةٍ أَوْ شَيْءٍ مِنْ جَسَدِهَا كَانَ حَقِيقًا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ النَّارَ؛ کسی که به خانه همسایه‌اش سرک بکشد و عورت مرد یا مو یا قسمتی از بدن زنی را نظاره کند، سزاوار است که خدا او را داخل آتش کند.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۴: ۳۷) خانه یا مکانی که انسان در آن زندگی می‌کند حتماً حریمی است که انتظار می‌رود دیگران هیچگاه بدون اذن در آن وارد نشوند و از آن اطلاع‌یابی نکنند. در کتاب‌های روایی مباحثی تحت عنوان «النظر الی دار الغیر بغیر اذنه» وجود دارد. (برای نمونه، ر.ک. مامقانی، ۱۳۸۲: ۵۰۶)

با اثبات حرمت ورود به حریم خصوصی، نقض حریم خصوصی افراد در صورتی مجاز خواهد بود که دلیل خاص وجود داشته باشد. یکی از مصلحت‌هایی که برتر از مفسده هتک حرمت مؤمن است مصلحت حفظ نظام است. امام خمینی در فرمان هشت

اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در جنگ تبوک از مردم درباره افرادی که در جنگ حاضر نشده بودند تحقیق می‌فرمود [که چه کسی آمده و چه کسی نیامده است و چرا؟]. (عزیزان، ۱۳۹۳: ۷۸۵) پس، مسئول سازمان حق دارد از آمار نیروهایش در مأموریتی که گذشت بپرسد و سبب حاضر نشدن آنان را جويا شود و نیز کارکرد نیروها و وضعیت سازمان خبرگیری و تجسس دریابد.

اما اگر بگوییم ادله حرمت تجسس مطلق است و همه موارد تجسس و تفتیش را شامل می‌شود، آنگاه که غرضی صحیح در بین باشد و مصلحتی بالاتر برای تجسس وجود داشته باشد، به مقتضای قاعده تزام عمل شده است، بدین بیان که برای رسیدن به مصلحتی بالاتر، اهم و اصلح را مقدم می‌داریم. به بیان دیگر، گرچه تجسس در اسرار مردم بدون تردید حرام باشد، در صورتی که مصلحت تجسس اهم از مصلحت حفظ اسرار مردم باشد، تجسس جایز بلکه گاهی واجب است. اینجاست که سه قاعده مذکور: نفی سبیل، لطف و حفظ نظام بنابر مورد خود می‌توانند وارد میدان شوند.

۵-۵-۲. ورود به حریم خصوصی

«حریم خصوصی آن بخش از زندگی هر انسان است که در آن از آزادی در برابر بازخواست و کیفر حقوقی برخوردار می‌باشد و هرگونه تصمیم‌گیری درباره آن و نیز اطلاع، ورود و نظارت بر آن منحصراً در اختیار اوست و مداخله دیگران در آن یا دسترسی به آن بدون اذن او مجاز نیست.» (اسکندری، ۱۳۸۹: ۱۵۷؛ نیز ر.ک. انصاری، ۱۳۸۶: ۳۸)

آیه «وَلَا تَجَسَّسُوا» (حجرات: ۱۲)؛ و [در اموری که مردم پنهان ماندنش را خواهان‌اند] تفحص و پی‌جویی نکنید.» مستند قرآنی رعایت حریم

که امام موسی کاظم (علیه‌السلام) برای حفظ حریم خانواده خود استراق سمع نمود:

حسین فرزند موسی بن جعفر (ع) از مادرش روایت می‌کند که گفت: امام موسی بن جعفر در پشت بام خوابیده بود و من ایشان را می‌مالیدم. ناگهان، حضرت با عجله از جا بلند شد و به محلی دیگر رفت. من هم پشت سر ایشان رفتم و مشاهده کردم که امام به سخنان دو تن از غلامانش که با دو تن از کنیزکان - در حالی که دیواری بینشان حایل بود - صحبت می‌کردند گوش می‌دهند. حضرت همین که مرا دید، فرمود: «چه وقت اینجا آمدی؟» عرض کردم: «همان وقتی که شما با عجله اینجا آمدید، من هم دلوپس شدم و پشت سر شما آمدم.» فرمود: «صحبت اینها را شنیدی؟» عرض کردم: «آری.» حضرت فردا صبح غلام‌ها را به شهری و کنیزها را به شهر دیگر فرستادند [و فروختند]. (حمیری قمی، بی‌تا: ۱۴۱)

حال، اگر مصلحت حفظ سازمان در میان باشد و جواز قانونی داشته باشد، بی‌تردید، استراق سمع - آنهم نه به نیت مچگیری، بلکه برای دستگیری، هدایت و یاری‌رسانی به نیروهای سازمان - جایز است.

۵-۴. غیبت

تعریف مشهور غیبت عبارت است از: «یاد کردن برادر مؤمن است در غیابش به چیزی که از نسبت دادنش به قصد انتقاص و مذمت بدش می‌آید.» (عاملی جبعی، ۱۳۹۰ق: ۵)

توصیف حال غیبت‌کننده به کسی که گوشت برادر مرده‌اش را می‌خورد تنها تمثیل نیست بلکه واقعیتی است که خداوند از آن خبر داده است و روایات نیز مؤید آنند. (حجرات: ۱۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۲۰۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶: ۲۴۰)

ماده‌ای نیز، ضمن توجه به لزوم حفظ حریم خصوصی افراد، در مواردی که مصلحت حفظ نظام ورود به حریم خصوصی معاندان و اخلال‌گران را اقتضا می‌کند، با رعایت ضوابط شرعی و قانونی، جایز می‌داند. (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۷: ۱۴۰-۱۴۱).

این مسئله مورد پذیرش قانون‌گذار نیز واقع شده است، همانگونه که ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری مبتنی بر اصل برائت مقرر داشته است که هرگونه اقدام محدودکننده، سلب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی مجاز نمی‌باشد. بنابراین، گاهی مصالح اجتماعی از جمله نظارت و بازرسی و یا مصلحت حفظ نظام اقتضا دارد که مسئولان امر، با رعایت ضوابط، به حکم اولی حرمت ورود به حریم خصوصی افراد ملتزم نمانند و با تمسک به اختیارات حاکم اسلامی و به حکم حکومتی مجوز ورود و فحص از حریم خصوصی افراد خاص را داشته باشند.

۵-۵-۳. استراق سمع

یکی از موارد شکستن حریم خصوصی استراق سمع است، که از آن نیز نهی شده است، چنان که رسول گرامی اسلام (ص) فرمود: «مَنْ اسْتَمَعَ إِلَى حَدِيثِ قَوْمٍ وَ هُمْ لَهُ كَارِهُونَ يُصَبُّ فِي أُذُنِهِ الْأَنْكُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ هرکس که به مکالمات دیگران در حالی که راضی نیستند، گوش دهد روز قیامت در گوش وی سرب گداخته ریخته می‌شود.» (ابن‌خالد برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۲: ۶۱۶؛ العروسی الحویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵: ۹۳)

استراق سمع در اصل بیست و پنجم قانون جمهوری اسلامی نیز در حال عادی منع شده است. اما اگر مصلحتی بالاتر در میان باشد، جوازش را می‌توان از روایات یافت. برای نمونه، در روایت است

هرچند مصداق بارز غیبت، غیبت زبانی است و در نصوص نیز کلمه «ذکر» در تعریف غیبت آمده که منصرف به ذکر زبانی است اما مراد واقعی از ذکر به زبان راندن نیست، بلکه مراد از آن توجه دادن و یادآوری در مقابل اغفال است، خواه به کلام باشد، خواه به فعل، و خواه به اشاره. (انصاری، ۱۳۸۶، ج ۱: ۴۲) و یکی از مواردی که غیبت حساب می‌شود، هرچند در روایات به سبب مبتلا نبودن جامعه از آن یاد نشده است، غیبت با قلم است، که مبتلا به آن روزنامه‌نگاران، سریع‌القلم‌ها و در مبحث کنونی، ناظران نظارت و بازرسی می‌توانند باشند.

بدین سبب، بایستی دقت کرد که نظارت و بازرسی مشوب به غیبت نباشد، که حرمتش محرز است. با این حال، تشکیل پرونده نظارتی برای نیروهای تحت امر و پیگیری سازمانی آن با توجه به مستثنیات غیبت ممکن است. در این موارد، جواز غیبت به سبب مصلحت بالاتر و به حکم ثانوی اهمیت می‌یابد. برای نمونه، اگر گزارش‌دهنده به بخش نظارت کسی باشد که دیگری بر فسق او آگاه است، سزاوار است برای آشکار شدن حقیقت، غیبت گزارش‌دهنده نماید و خود از عملکرد وی گزارشی ارائه کند. (دعموش عاملی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۴۴)

۵-۶. سوءظن

ظن نوعی ادراک نفسانی است و نفس محل خطورات ذهنی است. بنابراین، نهی آیه به خود ظن نیست. بلکه مراد آیه نهی از پذیرفتن ظن بد است. پس، می‌خواهد بگوید: اگر درباره کسی ظن بدی به دلت وارد شد، آن را نپذیر و به آن ترتیب اثر مده. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸: ۳۲۳)

مستند قرآنی حرمت سوءظن (۲) عبارت است از: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ (حجرات: ۱۲)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از گمان‌ها جداً بپرهیزید، زیرا [پیروی از]

برخی از گمان‌ها (گمان بدی که مخالف واقع باشد) گناه است.» و آیه: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا (اسراء: ۳۶)؛ و از چیزی که بدان علم نداری [در مرحله اعتقاد و گفتار و عمل] پیروی مکن، زیرا گوش و چشم و دل، هریک، مورد سؤال قرار خواهند گرفت (از انسان درباره کارهای آنها و از آن اعضا درباره کارهای خودشان می‌پرسند)، و مستند روایی آن نهی رسول گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است: «إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ، فَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الكَذِبِ، وَ كُونُوا إِخْوَانًا فِي اللَّهِ كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ؛ بر شما باد دوری از گمان بردن نسبت به یکدیگر. همانا، گمان دروغ بزرگی است و همان‌گونه که خدا به شما فرمان داد در دین خدا برادر یکدیگر باشید.»

البته، حمل بر صحت‌کردن استثنایی نیز دارد و آن هنگامی است که قرینه و دلیلی قطعی بر خلاف حسن ظن آدمی اقامه گردد. به یقین، در این مورد، حسن ظن نه تنها مطلوب نیست بلکه بی‌خردی و ساده‌لوحی است و شرط عقل آن است که حکم حسن ظن و حمل بر صحت در این مورد به کناری نهاده شود و به حکم قطع و یقین اعتنا و توجه گردد. پس، هرگاه برخی قراین و سرخ‌های مشخص وجود داشته باشد که بر مجرم بودن کسی دلالت کند دیگر جایی برای حسن ظن نیست.

۶. نتیجه

- نظارت مقایسه‌ای است بین آنچه هست و آنچه باید باشد تا زمینه برای رسیدن به مطلوب فراهم می‌شود. یکی از ضرورت‌ها برای موفقیت برنامه‌های سازمانی وجود یک نظام دقیق نظارتی است؛ وجود یک نظم نظارتی در سازمان است که مدیریت را به چگونگی تحقق هدف‌ها و عملیاتی کردن آنها آگاه

- جواز غیبت به سبب مصلحت بالاتر و به حکم ثانوی اهمیت می‌یابد. برای نمونه، اگر گزارش‌دهنده به بخش نظارت کسی باشد که دیگری بر فسق او آگاه است، سزاوار است برای آشکار شدن حقیقت، غیبت گزارش‌دهنده نماید و خود از عملکرد وی گزارشی ارائه کند.

- با مدح حسن ظن، هرگاه برخی قراین و سرخ‌های مشخص وجود داشته باشد که بر مجرم بودن کسی دلالت کند دیگر جایی برای حسن ظن نیست.

۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش، هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

می‌سازد و به مجموعه مدیریتی سازمان این توانایی را می‌دهد که پیگیری‌های لازم را در بهینه‌سازی سازمان به عمل آورد. و نیز بسیاری از دوراندیشی‌ها و تدبیرهای فرماندهی و مدیریت تنها با نظارت و بازرسی دقیق و منصفانه امکان تحقق دارد.

- برخی از قواعد فقهی جاری یا حاکم بر نظارت و بازرسی سازمانی عبارت است از: قاعده نفی سبیل، قاعده لطف و قاعده وجوب حفظ نظام.

- معنای قاعده نفی سبیل منع سلطه کافر بر مسلمان است، که آیه ۱۴۱ سوره نساء بر آن دلالت دارد. با اجرای نظارت و بازرسی سازمانی بایسته است که احتمال نفوذ دشمن و سلطه بیگانه بر مسلمانان ضعیف می‌گردد و توان نیروها برای ایستادگی در برابر وسوسه‌های دشمن بیشتر می‌شود.

- طبق قاعده وجوب حفظ نظام، اندیشه‌ورزان و رهبران دینی حکم به ممنوعیت هر آنچه سبب اختلال نظام می‌شود کرده‌اند و به هرآنچه برای حفظ نظام ضروری است دستور داده‌اند.

- تجسس به صرف کنجکاوی و آگاهی از احوال اشخاص و بدون انگیزه عقلایی، و نیز تجسس با انگیزه‌ای فاسد، مثل هتک حرمت، گسترش فحشا، آزردن مؤمنان یا به نفع بیگانگان تجسس نارواست و تجسس با انگیزه سالم برای حفظ حکومت در برابر نفوذ کافران و منافقان، جلوگیری از فساد اقتصادی، برطرف کردن زمینه‌های انحراف از جامعه اسلامی و اموری از این دست تجسس رواست.

- با اثبات حرمت ورود به حریم خصوصی، نقض حریم خصوصی افراد طبق مصلحت حفظ نظام جواز می‌یابد، چنان‌که استراق سمع برای دستگیری، هدایت و یاری‌رسانی به نیروهای سازمان جایز است.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن خالد برقی، احمد بن محمد، المحاسن، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ق.
- ابن فارس، احمد، معجم مقائیس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
- ابن منظور، ابوالفضل، لسان العرب، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
- اسکندری، مصطفی، «ماهیت و اهمیت حریم خصوصی»، حکومت اسلامی، ش ۵۸، ۱۳۸۹.
- انصاری، باقر، حقوق حریم خصوصی، تهران: سمت، ۱۳۸۶.
- الوانی، مهدی، مدیریت عمومی، تهران: نی، ۱۳۸۸.
- ایروانی، محمدباقر، الحلقة الثالثة في اسلوبه الثاني، چ ۳، قم: فقه، ۱۳۸۷.
- ایزدهی، سیدسجاد، مبانی فقهی نظارت از دیدگاه امام خمینی (رحمة الله عليه)، تهران: عروج، ۱۳۹۰.
- بجنوردی، سیدحسن، القواعد الفقهية، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۳ق.
- بهادری، سیدابوالفضل، روابط میان قوا در حقوق اساسی ج ۱.۱ با نگاهی به نظریه کنترل و تعادل قوا، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، ۱۳۸۹.
- جمعی از نویسندگان، مجموعه مقالات دومین همایش نظارت و بازرسی، تهران: سازمان بازرسی کل کشور، ۱۳۸۰.
- حمیری قمی، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، تهران: کتابخانه نینوا، بی تا.
- دعموش عاملی، علی، دائرة المعارف اطلاعات و امنیت در آثار و متون اسلامی، ترجمه غلامحسین قاری مهیاری و رضا گرمابدری، تهران: دانشگاه امام حسین (علیه السلام)، ۱۳۸۲.
- رشیدی، احمد، معنوی، مونا، فراتحلیل وظایف نظارتی سازمان بازرسی و مفهوم بندی آن در الگوی حکمرانی خوب، دیدگاه های حقوق قضایی، دوره ۲۴، شماره ۸۷، ۱۳۹۸.
- ربّانی گلپایگانی، علی، القواعد الکلامیة، قم: مؤسسه امام صادق (علیه السلام)، ۱۴۱۸ق.
- رضائیان، علی، مبانی سازمان و مدیریت، تهران: سمت، ۱۳۸۷.
- سرافراز، محمود، «بررسی حکم فقهی تجسس»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی فقه اطلاعاتی [ج ۱]، تهران: نشر دانشگاه اطلاعات و امنیت ملی، ۱۳۹۵.
- صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، چ ۲، قم: فرهنگ اسلامی، ۱۴۱۶ق.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چ ۲، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۷ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
- طیب، عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: اسلام، ۱۳۶۹.
- عاملی جبعی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، کشف الریبه، چ ۳، بی جا: دارالمرتضوی للنشر، ۱۳۹۰ق.
- العروسی الحویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، چ ۴، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
- عزیزان، مهدی و دیگران، امنیت در قرآن و سنت، قم: زمزم هدایت، ۱۳۹۳.
- فاروقی تهانوی، محمدعلی، کشف اصطلاحات الفنون، [افست] تهران: خیام، ۱۹۶۷.
- فاضل لنکرانی، محمد، آئین کشورداری از دیدگاه امام علی (علیه السلام)، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۶.
- فاضل لنکرانی، محمد، القواعد الفقهیة، قم: مؤسسه الکلام، ۱۴۱۶ق.
- فیاض، محمداسحق، محاضرات فی اصول الفقه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹ق.
- قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۶۴.

- کریمیان، محمدوزین، درآمدی بر ترمینولوژی نظارت و بازرسی، تهران: بازرسی کل ناجا، ۱۳۹۰.
- کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، ج ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- محمدی، تراب، سلیمی باهر، مینو، هاشم پور، احمد، ضرورت نظارت و بازرسی در ارتقاء سلامت اداری، اولین کنفرانس بین المللی دانش و فناوری حقوق و علوم انسانی ایران، ۱۴۰۰.
- مامقانی، عبدالله، مناهج المتقین فی الفقه ائمه الحق و الیقین، نجف: بی‌نا، ۱۳۸۲.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۲، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- محقق، محمدباقر، دائرة الفوائد در فرهنگ قرآن، تهران: بعثت، ۱۳۶۴.
- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.
- مصطفوی، سیدمحمدکاظم، مئه قاعده فقهیه، ج ۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
- مقدس اردبیلی، احمدبن محمد، زبده البیان فی احکام القرآن، تهران: مرتضوی، بی تا.
- مکارم شیرازی، ناصر، انوارالاصول، قم: جوان، ۱۴۱۶ق.
- موسوی خمینی، روح‌الله، تهذیب الاصول، تقریر جعفر سبحانی، قم: اسماعیلیان، ۱۳۸۲ق.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله، صحیفه نور، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸.
- موسوی خویی، سیدابوالقاسم، محاضرات فی اصول الفقه، قم: انصاریان، ۱۴۱۷ق.

